

قرآن چگونه جمع

و ترتیب شد؟

بعضی از نویسندگان غیر دین ادعای می کنند که قرآن بی ترتیب و شامل آیات متشا به میباشد و در ترویج و تائید این عقیده یکی دیگر خود را تقلید می نمایند چنانچه «سی-ال» مترجم قرآن به انگلیسی در مقدمه که نوشته این ادعا را تائید وهم (پالمر) ادعا می کند که قرآن در زمان پیشوای اسلام ترتیب نکر دیده و بعضی آیات خاص باعتبار تناسب سجع آن تکرار شده است . ولی ما این دعاوی را غلط میدانیم ، بچند دلیل :

۱ - قرآن در حیات رسول کریم صلی الله علیه وسلم و به امر ایشان کاملاً تحریر شده بود .

۲ - قرآن در زمان زندگی آنحضرت کاملاً از بر شده بود .

۳ - هر سوره قرآن پاک در وقت حیات رسالت پناهی ترتیب گردیده بود .

۴ - ترتیب و تدوین قرآن در زمان حضرت ابو بکر رضی الله تعالی عنه

استثنای از جمع کردن اوراق مبارک که و بحال يك جلد در آوردن آن چیز دیگری نبود .

۵ - اختلاف قرائت های قرآنی در معنی قرآن مسبب اختلاف و ناثیری

بوده نمیتواند که اینک ما تمام اینها را بیکان یگان موضوع بحث و مطالعه

قرار میدهیم .

تدوین قرآن :

یکی از عوامل اینکه قرآن با همه عظمت و وثوق آن محفوظ مانده اینست

که به امر پیشوای بزرگ اسلام هر آیه که نازل میگردد فوراً در حضور

خودشان تحریر می شد و دلائلی که این موضوع را به ثبوت میرساند در خود قرآن کریم زیاد است. کذا روایا نیکه ثبت و قید فوری و صحیح آیات وحی فرموده شده قرآنی به پیغمبر اسلام را ثابت می کند متعدد است چنانچه امام ابوداؤد، ترمذی و احمد از حضرت عثمان ذی النورین متفقا روایت می کنند: « هنگامی که آیات مربوط به سوره های مختلف به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وحی فرموده می شد آنحضرت فوراً یکی از کاتبان نویسنده وحی الهی را طلبیده و باو میفرمودند: « این آیات را بفلان و فلان سوره مبارک قید کن! »

این فرموده حضرت عثمان رضی الله عنه صراحتاً ثابت می کند که رهبر اسلام هر آیه را در حضور خود نوشته و بسوره مخصوص آن ضمیمه نموده اند. روایاتی که برای تأیید این گفته در دست داریم نیز زیاد است من جمله امام بخاری رحمه الله علیه نقل می کند: « وقتی که آیه مبارکه (لا یستوی القا عدون) بر رسول مقبول (ص) وحی می شد بمن میفرمودند « زید را آواز دهید تا قلم و دوات را بیاورد! » همینکه زید می آمد پیغمبر خدا میفرمودند: « بنویس! لا یستوی القا عدون! »

در میان کاتبان نیکه به ثبت فرمایشات الهی مؤلف بو دند غیر از زید، ابو بکر، عمر، عثمان، علی، عبدالله بن سعد بن ابی سرح، زبیر بن العوام، خالد، ابان بن سعید ابی بن کعب، معیقب بن ابی فاطمه، حنظله، عبدالله بن الارقم شرحبیل، عبدالله بن رواحه رضی الله تعالی عنهما نیز بودند.

البته در میان صحابه کرام کسانی که کتابت میدادند مستند منحصراً باین ذوات نبود و هکذا روایا نیکه تحریر شدن قرآن را در عهد رسالت به ثبوت میرساند بهمین جا ختم نگردیده است چنانچه صحیح مسلم روایت می کند که حضرت پیغمبر باصحاب خویش چنین خطاب میفرمودند: « از من چیزی قرآن چیز دیگری ننویسید! »

یک روایت دیگر مربوط به حضرت عمر رضی الله عنه است که نسخه های قرآن

از طرف اصحاب بخانه های شان تلاوت میکرد دید، ثابت مینماید .
 امام بخاری نیز از بعضی صحابه کرام روایت می کند : « وقتی ما حامل
 قرآن بودیم از رفتن به کشور دشمن منع شدیم ، اینهم ثابت می کند که
 نسخه های مرتب قرآن پاک در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه وسلم
 وجود داشته و بعضی از اصحاب حامل آن بوده اند .

بار دیگر امام بخاری در کتاب « فتح الباری » میگوید : « حضرت
 ابو بکر (رض) چیزی را که در نخست تحریر نشده بود امر به نوشتن نداد ، اند
 و از همین جهت در تحریر آیات بخش اخیر سوره شریفه توبه اظهار تردد فرمودند ،
 و هم روایت می کند که : « تمام قرآن نوشته بود و تنها نوشته ها ترتیب گردید
 و حضرت ابو بکر رض این نوشته ها را بحال يك جلد در آوردند »

ابن ابی داؤد روایت کرده است : (وقتیکه حضرت ابو بکر رض به جمع
 و ترتیب قرآن کریم اراده نمودند حضرت عمر رض اعلان نمود « هر که پارچه
 از نسخه های آیات قرآنی بدست داشته باشد بیاورد » و این
 آیات به لوائح و برگ های خرمائیت می شد . اگر کسی برای
 ثبوت نسخه حاضر آورده خود دوفر شاهد نمی داشت نوشته او مدار اعتبار
 قرار نمیگرفت .) و امام بخاری این گفته را تکمیل کرده میگوید « زید
 در تنهایی بداشتن وظیفه تحریر آیات قرآنی اکتفا ننموده و همواره هنگامی
 که آیات مبارک که را از حضرت رسول الله (ص) می شنید ، دوفر را بصفت شهود
 باخود می داشت که این منتهای محافظه کاری او را در وظیفه مقدس و مهمی
 که بعهده او بود ، نشان میداد »

زهري میگوید : « مقصد از تحریر آیات در محضر حضرت رسول (ص)
 عدم اکتفا به حافظه حفاظ بود . امید است برای ثبوت اینکه قرآن مجید
 در زمان حیات محمد (ص) تماماً بقید تحریر در آورده شده بود همین دلائل
 کافی باشد و بنا بر این اکنون به توضیح سائر دلائل خویش می پردازیم .
 « باقی در »